



خیلواکی

استقلال

www.esteqlaal.net

شنبه ۱۷ اپریل ۲۰۲۱

نجیب سخی

شاملو و تصرف در کلام حافظ

در دیوان حافظ که در حدود سالهای ۱۳۳۵ هـ ش بوسیله حاج محمدعلی در مطبعه اوست چاپ شده است بیتی که حافظ در باب مرجع زبان پارسی صحبت میکند آنرا تحریف نموده است :

بیت اصلی چنین است : **خوبان پارسی گو بخشندگان عمرند — ساقی بده بشارت پیران پارسا را**

بیت تحریف شده : **خوبان پارسی گو بخشندگان عمرند — ساقی بده بشارت رندان پارسا را**

تناسخ قهری کلمه پیران به رندان، کاملاً مفهوم ابیات و آنچیزیکه خواجه حافظ میخواست بگوید را؛ مضمحل میکند؛ چون رندان و پیران عین خصوصیت هجائی و ترکیبی دارند؛ در وزن شعر هیچگونه سکتگی رخ نمیدهد؛ اما مرام شاعر را از بنیاد تغییر میدهد!

بعد از مطالعه دیوان حافظ، که احمد شاملو آنرا ترتیب و تهیه نموده است؛ من با تمام قوا بکفنگش قدیم یعنی حاج علی محمد رحمت فرستادم؛ زیرا احمد شاملو درین غزل حافظ تحریف، تصرف و دستکاری نموده است. این شخص که خود را باصطلاح شاعر، ادیب، انساندوست، چپی، و ... نشان میداد؛ بکلامیکه خلق خدا زیاده از ششصد سالست فال می بینند و اعتقاد استوار میکنند؛ او همان کلام را از بستر حقیقی آن بیرون کرده، کلمات و الفاظ مصرع ها و حتی ابیات را بیجا و کم و زیاد نموده است!

حافظ غزل را باین نظم و ترتیب نوشته است:

آئینه سکندر جام میست بنگر تا بر تو عرضه دارد احوال ملک دارا

خوبان پارسی گو بخشندگان عمرند ساقی بده بشارت پیران پارسا را

احمد شاملو بیت اول و دوم، که باهم پیوسته و مکمل یکدیگر هستند؛ را از هم جدا میکند، و یک بیت نو بسته کرده، که از ابیات اصلی غزل حافظ سه هجا کمتر دارد، و در هیچ دیوان دیگری موجود نیست؛ بجای آن شامل میکند؛ اما بیت دوم حافظ را تحریف کرده و در آن تصرف میکند

باین شکل:

گر مطرب حریفان این پارسی بخواند — در رقص و حالت آرد صوفی پارسا را (این بیت نو بسته شده)

ترکان پارسی گوی بخشندگان عمر اند — ساقی **بشارتی ده** پیران **با صفارا** (درین بیت رنگ سرخ تصرف است)

شعر اصلی حافظ چنین تقطیع می شود:

آئینه - سکندر - جام میس - تبنگر — تابتوعر - ضدارد - احوامل - کدارا
فاعلاتن - فعولن - فاعلاتن - فعولن — فاعلاتن - فعولن - فاعلاتن - فعولن
خوبانیا - رسی گو - بخشندگا - نعمرند - ساقیبده - بشارت - پیرانیا - رسارا
فاعلاتن - فعولن - فاعلاتن - فعولن — فاعلاتن - فعولن - فاعلاتن - فعولن
این شعر حافظ چنین محاسبه می شود: ۴ - ۳ - ۴ - ۳

هر فاعلاتن عبارتست از یک سبب یک وتد و یک سبب دیگر، یعنی فا- علا- تن، که چهار هجا میشود.

هر فعولن عبارتست از یک وتد و یک سبب، یعنی فعو- لن، که سه هجا میشود
تقطیع ابیات ساخت شاملو:

گرمطرب - حریفان - ایپارسیب - خواند — درقصوحا - لتآرد - صفی پرسا - را
فاعلاتن - فعولن - فاعلاتن - فعو — فاعلاتن - فعولن - فاعلاتن - فع
ترکانیا - رسیگو - بخشندگا - نعمرند - ساقیشا - رتیده - پیرانیا - صفارا
فاعلاتن - فعولن - فاعلاتن - فعولن — فاعلاتن - فعولن - فاعلاتن - فعولن

در اولین بیت، که پرداخته و ساخت شاملو است؛ سه هجا نسبت به وزن حقیقی شعر حافظ کمتر دارد، که رنگ سرخ شده اند!

در مصرع اول: ۴ - ۳ - ۴ - ۲ ،

در مصرع دوم ۴ - ۳ - ۴ - ۱ است، یعنی سه هجا کمتر است.

این ثبوت قاطع هست کاین بیت نو بسته شده است؛ همین بیت بر علاوه دیگر چاپها در دیوان حافظ که باهتام محمد رضاجلالی نائینی و داکتر نظیر احمد، اولین چاپ در سال ۱۳۵۰ ه. ش و پنجمین

چاپ آن در سال ۱۳۶۲ ه.ش؛ تدوین شده است؛ هم وجود ندارد؛ ایندو اگرچه سلسله ابیات را کاملاً برهم زده اند؛ اما در متن ابیات هیچنوع تصرفی را روا نداشته اند.

بیت دوم چون استخوانبندی از خود حافظ است در آن کسر هجائی وجود ندارد؛ اما تصرف در کلمات بهدف تحریف معنی کاملاً نمایان و چشمگیر است؛ زیرا حافظ درین دو بیت که باهم پیوسته و متواتر هستند میگوید:

می، که خود دخترانگور است، انگور از زمین میآید و زمین سکندر ها و دارابها را در خود دارد؛ لهذا جام می آئینه جهان ناماست، که میتوانی از او احوال داراب و سکندر را جویا شوی.

در بیت دوم میگوید: ای نظاره گر جام می به پیران و پیشینیان پارسا، یعنی پارسیها این بشارت را برسان، که خوب گویان و خوب چهرگان پارسیگو؛ با زاد و ولد شان به پارسی گویان دیگر عمر و زندگی میبخشند؛ تا رسم و زبان شما را ادامه بدهند.

ازین گفتار حافظ نکات ذیل استنباط میگردد:

۱- پارسا ها پارسی ها هستند، یعنی پارسی زبان پارسا هاست؛ زیرا حافظ پارسی گو و پارسا را در دوبیت غزل خود بصورت متناظر و مکمل هم بکار میبرد.

۲ - حافظ پارسی را پارس نسبت نمیدهد؛ بلکه آنرا به پارسا های پیر وابسته میداند.

۳ - گفتهای حافظ این واقعیت را وضاحت میدهد، که پارسی زبان پارساهاست و پارس آنجا که پارسا ها بود باش میکنند؛ لهذا منبع و مرجع پارس و پارسی؛ پارسا؛ است، و نه؛ برعکس، یعنی چندصد سال قبل از آنکه ملک پارس بوجود آید پارساهای زردشتی و زبانشان یعنی پارسی در حوزه جیحون، جائیکه مذهب زردشتی ظهور کرده وجود داشته اند.

اگر کلام حافظ را تحریف و سانسور میکنند؛ به نسبت همین واقعیات نهفته در آنست، کز آن میتوان در توضیح منبع و تاریخ حقیقی زبان پارسی استفاده کرد و استناد جست!

این ابیات حافظ به نفس خود، و افزوده برآن؛ چون آماج سانسور و تاراج قرار گرفته اند؛ به حجت انکار ناپذیر تبدیل می شوند، مبنی بر اینکه منبع و مرجع کلمه پارسی بغیر از آنچه هست، که ایران و ایران گرایان میخواهند بر ما تحمیل کنند!

اسم و اصطلاح پارس و پارسی از کلمه پارسا نشأت کرده اند، به معنی حافظ و نگهدار؛ در آئین کهنه زردشتی مفهوم خود نگهبان را میرساند.

غیاث اللغات در شرح این کلمه مینویسد « پارسا مرکب است از پارس، که مرادف پاس است و الف که چون لاحق کلمه شود افاده معنی فاعلیت کند پس معنی ترکیبی پاسدار باشد چون او حافظ

نفس خود است، لهذا باین اسم مسمی گشت .

پاس دادن، پاسبان، پاس داشتن، پاسی از شب، که بمعنی یکدوره پاسبانی در شبست؛ چون سگ وظیفه پاسبانی دارد، به سگ نیز اطلاق می شود؛ پاس میدهد، یعنی پاسبانی میکند؛ اما اصطلاح پارس کشیدن سگ کاملاً جدید و اختراع معاصر است؛ زیرا این کلمه و اصطلاح در غیاب اللغات وجود ندارد؛ چون در لغتنامه‌های ایرانی برای آن منبع و مخرجی ذکر نمی کنند؛ میتوان استنتاج نمود، کاین جز اختراعات دستگاه حاکمه ایرانست، که بمنظور و مقصد مشخص آنرا بوجود آورده اند؛ زیرا حافظ شیراز آنجا که با زبان پارسی و منبع و مرجع آن تماس میگیرد، بکلام او تعرض کرده، در آن تصرف و تحریف را روا می دارند. !!

تاریخ شاهد است، که صفوی های ایران از ۱۵۲۳-۱۷۱۶م ترکی زبان و مربوط به سه قبیله: تکلو، استاجلو و شاملو بودند که، به زبان ترکی صحبت میکردند، یعنی پدر و پدرکلان شاملو ترک و ترکمن زبان بودند!

تقی بهار درین مورد مینویسد: « اسمعیل صفوی در اندک زمانی، کز بیست سال تجاوز نمیکرد در ایران ملت یکنواخت و فرهنگی نو و سپاهی جنگی بوجود آورد و تأثیر وجودش که خانواده ایرانی است هنوز باقی است ». (سبک شناسی ج ۳ ص ۲۴۶)، یعنی ایران کنونی به صفوی ها مربوط و با صفوی ها بوجود آمده؛ در برخورد با صفوی ها با فرهنگ و ملت نو روبرو هستیم که قبلاً وجود نداشته ؛ لهذا ایران نامی است که بهمین هویت نو اطلاق گردیده است، که به زبان ترک و ترکمنی صحبت میکردند.

انتهی